

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۴۰ - دوشنبه ۹۱/۹/۲۷

قبل از بررسی کلام شهید صدر رحمته الله اشکال و پاسخی را که در تقریرات ایشان آمده مطرح می‌کنیم، سپس به بررسی کلمات ایشان خواهیم پرداخت.

شهید صدر در «رُفِعَ ما لا یعلمون» پذیرفتند موضوع آنچه رفع می‌شود، حکم واقعی موجود است که مکلف آن را نمی‌داند و این ندانستن، یک عذر برای او محسوب می‌شود، در نتیجه این حکم در ظاهر از مکلف برداشته می‌شود.

با این بیان، اشکال بزرگی بر شهید صدر وارد خواهد شد؛ زیرا با این مبنا ایشان باید معتقد شوند حدیث رفع تنها در جایی کاربرد دارد که واقع ثابت باشد و آلا حدیث رفع کاربرد نخواهد داشت، در نتیجه اگر حدیث رفع، واقع ثابت را رفع می‌کند در حقیقت یعنی آن حکم، منجز است و رفع آن معنایی نخواهد داشت.

شهید صدر در پاسخ به این اشکال بیانی دارند که چکیده و خلاصه‌ی آن چنین است: مراد از «رُفِعَ ما لا یعلمون» آن است که اگر حکمی در متن واقع ثابت باشد با حدیث رفع ظاهراً برداشته می‌شود و اگر حکمی ثابت نباشد اساساً نیازی به حدیث رفع نخواهد بود. در حقیقت حدیث رفع به صورت جمله‌ی شرطیه رفع ظاهری اثبات می‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۱۵۸: «فانه یقال یتمسک بحدیث الرفع لإثبات الرفع الظاهری فی موارد الشک علی تقدیر ثبوت التکلیف المشکوک واقعاً و معه یعلم بجامع الرفع الواقعی إذا لم یکن هناك تکلیف واقعاً أو الظاهری إذا کان هناك تکلیف واقعاً و هو کاف للتأمین».

## نقد و بررسی فرمایشات شهید صدر رحمته الله

بر فرض آنکه مقدماتی که شهید صدر بیان کردند صحیح باشد و در آنها مناقشه‌ای نکنیم، سراغ هر یک از طرفین محذورین یعنی وجوب و حرمت می‌رویم و بررسی می‌کنیم آیا شرایط جریان براءت در آنها وجود دارد یا خیر؟

در مثال مذکور که مکلف از حیث وجوب شک دارد که آیا حلف او بر رفتن به سفر در سه‌شنبه‌ی خاص بوده و وجوب سفر محقق شده است یا خیر، احتمال می‌دهد که این وجوب در متن واقع موجود باشد، بنابراین اگر در متن واقع این وجوب ثابت باشد و ما ندانیم، به نحو جمله‌ی شرطیه‌ای که شهید صدر فرمودند، مشمول حدیث رفع خواهد شد؛ یعنی می‌توان گفت اگر سفر در روز سه‌شنبه در متن واقع واجب باشد در ظاهر با حدیث رفع برداشته می‌شود و اگر چنین وجوبی نباشد که اساساً نیازی به حدیث رفع نخواهد بود. همچنین در طرف حرمت نیز می‌توان گفت اگر در متن واقع سفر در روز سه‌شنبه حرام باشد با حدیث رفع در ظاهر این حرمت برداشته می‌شود و اگر در واقع چنین حرمتی نباشد نیازی به حدیث رفع نخواهد بود.

بنابراین چگونه شهید صدر قائلند که تنها یک رفع صورت می‌گیرد؟! در حالی که در ما نحن فیه دو حکم مشکوک وجود دارد.

و اینکه فرمودند رفع ظاهری در جایی ممکن است که ایجاب احتیاط ممکن باشد، به نحوی که ما مطرح کردیم ایجاب احتیاط وجود دارد؛ زیرا هر یک از طرفین را اگر به تنهایی در نظر بگیریم احتیاط در آنها ممکن است و شارع می‌تواند بگوید هرگاه احتمال وجوب دادید آن را انجام دهید و در طرف حرمت بگوید هرگاه احتمال حرمت دادید آن را بیاورید و احتیاط کنید.

بنابراین علی‌رغم تلاشی که شهید صدر در نفی جریان براءت (حدیث رفع) در ما نحن فیه انجام دادند می‌توان گفت حدیث رفع در هر دو طرف جریان دارد و همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، در مورد جریان حدیث حلیت از آنجا که لزومی ندارد بحث نخواهیم کرد، هر چند در دوره‌ی سابقه از آن بحث کردیم؛ زیرا بر فرض که اصل حلیت جاری نباشد حدیث رفع جاری خواهد بود.

## جریان استصحاب عدم حکم در دوران بین محذورین

در بحث براءت بیان کردیم که یکی از راه‌های اثبات براءت، استصحاب عدم حکم است. آیا در دوران امر بین محذورین می‌توان گفت هر یک از دو طرف، مسبوق به عدم حکم بوده است و در نتیجه حالت

سابقه را تا زمان حال استصحاب کنیم؟

به نظر ما چنین استصحابی جاری است. شهید صدر نیز در جریان این استصحاب نظر موافق دارند، حتی بعض کسانی که استصحاب را در احکام جاری نمی‌دانند این استصحاب را جاری می‌دانند؛ زیرا آنان استصحاب اثباتی را جاری نمی‌دانند به دلیل تعارض جعل و مجعول که در جای خودش بیان خواهد شد، اما استصحاب عدم حکم، مانعی ندارد.

مرحوم نائینی رحمته الله از کسانی است که معتقدند استصحاب عدم حکم در اینجا جاری نخواهد بود. ایشان سه دلیل بر عدم جریان استصحاب اقامه کرده‌اند.

### **سه دلیل بر عدم جریان استصحاب عدم حکم از سوی مرحوم نائینی رحمته الله**

**دلیل اول:** این استصحاب مثبت خواهد بود؛ زیرا عدم حکمی که قبل از حلف بر سفر وجود داشته است غیر از عدم حکمی است که بعد از حلف وجود دارد.

در واقع این اشکال، همان اشکالی است که در جریان استصحاب عدم حکم برای اثبات برائت مطرح شد و در آن بحث پاسخ داده شد و لذا دوباره تکرار نمی‌کنیم.

**دلیل دوم:** بیان شده است که از آنجا که استصحاب، اصل تنزیلی است و مشکوک را نازل منزله‌ی واقع قرار می‌دهد و به تعبیری عرش الاصول و فرش الأمارات است، مخالفت علمیه‌ی قطعیه توسط استصحاب روا نخواهد بود؛ به دلیل آنکه در دوران بین محذورین اگر استصحاب عدم وجوب و استصحاب عدم حرمت جاری شود معنایش آن خواهد بود که سفر روز سه‌شنبه نه واجب است نه حرام، در حالی که ما قطع داریم این سفر یا واجب است یا حرام، لذا با این استصحاب، مخالفت علمیه لازم می‌آید. هر چند منجر به مخالفت قطعیه‌ی عملیه نخواهد شد اما چون استصحاب، اصل تنزیلی است و مشکوک را نازل منزله‌ی واقع می‌کند، در حالی که قطع داریم واقع مخالف آن است، ادله‌ی استصحاب شامل این حالت نخواهد شد. این اشکال یک اشکال مبنایی است و به نظر ما مانعی وجود ندارد که حتی توسط استصحاب، مخالفت علمیه رخ دهد و مادامی که منجر به تجویز مخالفت عملیه‌ی قطعیه نشود مشکلی نخواهد داشت.

**دلیل سوم:** عدم ترتب اثر عملی بر جریان دو استصحاب در ما نحن فیه؛ زیرا مکلف خالی از یکی از دو طرف نمی‌تواند باشد، که پاسخ این دلیل قبلاً گذشت.

---

۱. اجود التقريرات، ج ۲، ص ۲۳۲.

و اما درباره‌ی اشکال تعارض جعل و مجعول که بر اساس آن برخی استصحاب در احکام را منتفی دانسته‌اند:

**اولاً:** این مبنا (عدم جریان استصحاب در احکام کلیه) قابل قبول نیست، با این حال اگر کسی معتقد به این مبنا باشد باید جریان استصحاب را در طرف اثبات منتفی بداند؛ یعنی مثلاً اگر شک شود آیا وجوب نماز جمعه مخصوص زمان حضور امام علیه السلام است یا خیر، در چنین جایی به علت وجود شبهه‌ی تعارض جعل و مجعول، استصحاب وجوب را دچار محذور خواهد شد، اما در طرف عدم حکم که جعل و مجعولی وجود ندارد و نبود حکم است مانعی از جریان استصحاب عدم وجوب و حرمت نخواهد بود.

**ثانیاً:** اشکال عدم جریان استصحاب در احکام اگر تمام باشد در مواردی است که ممحّض در شبهات حکمیه باشد؛ یعنی شک ناشی از فقدان، اجمال یا تعارض نصّین باشد، اما اگر شبهه‌ای مشوب به شکّ در امور خارجیه باشد به نحوی که در مثال خواهد آمد، اشکال عدم جریان استصحاب در احکام موضوع نخواهد داشت و ما نحن فیه می‌تواند از این قبیل باشد.

### توضیح بیشتر با مثال

بنابر اینکه لازم نیست محلوف<sup>۴</sup> علیه رجحان داشته باشد، اگر کسی شک کند آیا قسم یاد کرده بر سفر در روز سه‌شنبه یا قسم یاد کرده بر ترک سفر در روز سه‌شنبه و در نتیجه شک کند که سفر بر او واجب است یا حرام، گرچه شکّ در یک حکم شرعی است (وجوب یا حرمت سفر) اما این شبهه، یک شبهه‌ی حکمیه‌ی محضه نیست بلکه شبهه‌ی حکمیه‌ای است که منشأ آن شبهه‌ی موضوعیه است؛ زیرا منشأ این شبهه فراموش کردن مکلف است که نمی‌داند چگونه قسم یاد کرده است و نحوه‌ی قسم مکلف، یک عمل خارجی است که اشتباه شده است، لذا مانعی ندارد که عدم حلف المكلف علی السفر فی یوم الثلاثاء یا عدم حلف المكلف علی عدم السفر فی یوم الثلاثاء را استصحاب کنیم و شبهه‌ی عدم جریان استصحاب در احکام جاری نیست؛ به دلیل آنکه اساساً به حکم کاری نداریم و در آن استصحاب جاری نمی‌کنیم بلکه استصحاب را در موضوعی که منشأ اشتباه حکم شده است جاری می‌کنیم و در حقیقت استصحاب در سبب و نفی آن، ما را از استصحاب در مسبب بی‌نیاز می‌کند.

مقرّر: سید حامد طاهری